

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۹ می ۲۰۱۱

بررسی مختصر قرآن

بخش هفتم

قرآن، محمد و زن ستیزی

قسمت پنجم

مسائلی را که می‌خواهم با ملاحظه قرآن و هدایات آسمانی از آن صحبت کنم مربوط می‌شود به حقوق زنها. که می‌توان آنرا خلاصه نمود به حق زن نه حقوق زن؟؟ چون وقتی که حق وجود نداشته باشد نمی‌توان از حقوق صحبت نمود. تا باشد یک کمی در راستای افشای نیرنگ‌های دینی و قرآنی که به ضرر زنها در چوکات بندی های (مقدس) بر جامعه ما مخصوصاً زن افغان تحمیل شده است سهم مثبت گرفته و در معرفی ادیان و اسلام مشخص تر روشنی انداخته توقع نظر اندازی و نوشته‌های هموطنان را انتظار بکشم.

اول مسأله ازدواج با اطفال؟؟

خوانندگان عزیز! در احکام اسلامی و ترویج هدایات علمای فقه ازدواج مرد ها با جنس مؤنث در هر سن و سالی جایز است ولو آنکه طفلک شیر خواره باشد. یعنی اینکه اسلام آنرا روا دانسته است؟؟ باور ندارید از نزدیک ترین عالم دین بپرسید؟؟ یعنی اینکه ازدواج با اطفال از نگاه اسلام جایز است و می‌توان با صغیر ها حتی آنهایی که در (قنطاق) استند ازدواج نمود و هیچ عالم فقه در رد آن چیزی ننوشته و با هم اختلافی ندارند و تنها اختلاف شان در طلاق این طفل معصوم که قربانی قرآن و اسلام است می‌باشد که بعضی ها ۹ سالگی و بعضی ها ۱۳ سالگی را معیار قرار داده اند.

چنانچه آقای محترم پروفیسور عبدالستار سیرت در صحبت های تلویزیونی یک ماه پیش شان که به میزبانی "مولوی سیمین عمر" ترتیب یافته بود و آقایان چند مجددی - مولوی حجت الاسلام ارشد ارشاد- که ریش ندارند به شمول آدمک هائی چند از همین قماش با ریش های طویل و نیمچه رسیده شنونده آن بودند، علناً و بسیار واضح فرمودند که از نگاه اسلام و قرآن ازدواج با اطفال صغیر حتی ۴ ساله جایز است اما ضرور نیست که با آنها عمل زنا شویی انجام شود و همچنان به پیشوایان هر چهار مذهب و علمای فقه استناد نمودند. و به دنبال آن فرمودند که

در کشور های **گر مسیر دختر ها زود رشد می کنند** و به سن بلوغ می رسند (جناب شان فکر نمودند که **دختران میوه هستند مثل نارنج - خربوزه و تربوز**، که در مناطق گرمسیر زود تر رشد بدنی می کنند.) معنی تلویحی این تذکر چیزی نمی تواند باشد به جز اینکه می توان با آنها عمل زنا شوئی را انجام داد.

سؤالاتی که به ارتباط عدالت خداوندی در همچو موارد پیدا می شود زیاد است اما می خواهم از هموطنان خود، از همشهری های خود - از عالم دین و از مدافعان اسلام بپرسم که در کجای این جایز دانستن عدالت است ؟؟؟؟؟ آخر ندانستم این زن - این جنس مؤنث اصلاً چه گناهی را مرتکب شده است که سزاوار همچو جزا هائی باشد ؟؟؟؟ و هم اینکه آنانی که ادعا دارند حق زن و مرد در اسلام مساوی است ؟ بفرمایند و بگویند و تشریح دارند کجای این **فتوا قانونی - انسانی ، اخلاقی و مساوی است ؟؟؟** و یا سؤال باید نمود که چرا اصلاً اسلام - قرآن - محمد و حتی خدائی که اسلام معرفی می دارد همه ضد زن هستند .؟؟؟؟

این موجود بی آزار که به هزاران سال است به انواع مختلف شکنجه شده و عذاب جسمی و روحی کشیده و می کشند اصلاً چه کاری خلاف اصل انسانیت انجام داده اند که مستحق این همه عذاب و بد گوئی و شکنجه هستند و ادیان ابراهیمی پیشرفته به آن شکل مقدس و آسمانی می دهد ؟؟؟؟ آخر یکی باید پاسخ بگوید ؟؟ یکی باید بگوید چرا ؟؟؟ حال که نمی خواهند و یا نمی توانند جوابگو باشند چرا وقیحانه استدلال می نمایند که در دین مبین اسلام حق زن و مرد مساوی است ؟؟

بلی هموطن اسلام همین است ؟ همین است که می گویم و می نویسم ؟؟ به گفته من باور نداری ؟؟ لطفا قرآن را به فارسی بخوان یا به همان لسانی بخوان که می توانی از آن حل مطلب نمائی؟ ببین این دین مبارک و آسمانی چه می گوید؟؟ حق من و تو کدام است ؟؟؟ و حق خواهر و برادر و مادر و همسر من و تو چیست؟؟ اگر جز این می بود با اولین نوشته ام که در همین پورتال آزادی و انسانیت یعنی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اقبال نشر یافت باید صد ملا و چلی و آخوند و آیت الله و دکتور و انجنیر اسلامی می آمدند و اشتباهات ما را در شناخت از دین به بررسی می گرفتند و در اصلاح ما بدون اسلحه و زور گوئی (هرچند از لحظ منطقی زمان چنان کاری گذشته است مگر با تأسف در داخل کشور همان احکام شریعت نبوی با بدترین و فجیع ترین نوع آن به شکل **دموکراتیک** جر بیان دارد) می کوشیدند تا ثابت سازند اسلام دین صلح است ؟؟ دین برادری و برابری است ؟؟ اما آنها چپیزی ندارند بگویند ؟؟ آنها نمی توانند بگویند آیات قرآن غلط است و تحریف شده ؟؟ فقط چیزی که می توانند بگویند این است که تحلیل و تفسیر درست نشده ؟ و از خود تفسیری جداگانه بنویسند ؟ و ما حاضریم با هر نوع تفسیر و تحلیل قرآن در ارتباط همه مسایل که بررسی و انتقاد می شود صحبت ها، تحلیل مجدد و بررسی های همه جانبه و بی غرضانه و مستند داشته و مردم صاف دل و خوش قلب ما که فریب این مدارای های خوش رنگ و نگار را سالهاست خورده اند، در مورد قضاوت خواهند نمود.

طرح و صحبت همه جانبه مستند با دلایل و استدلالات قرآنی - حدیثی - و فقهی که این هر سه اساسات اسلام را تشکیل می دهد وظیفه ماست و قضاوت در مورد آنها مربوط می شود به مردم شریف و نجیب ما ؟؟ مسأله مهم دیگر اینکه اختیار دادن به مرد ها که می توانند چهار زن بگیرند. این یک نوع دیگر عدالت خداوندی است؟؟ حال ببینیم چه نوع عدالتی ؟ خدا یا قرآن یا محمد در سوره نساء آیت ۳ میفرمایند :

و اگر در اجرای عدالت بین دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان (دیگر) که شما را پسند افتاد دو، سه و چهار را به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که نتوانید به عدالت رفتار کنید به یک زن و یا آنچه از کنیزان مالک شده اید (اکتفاء کنید)

در این آیت مکتبی بر کلمه ای **کنیز** بیان کننده نداشتن حق زن و نادیده گرفتن موجودیت او منحصراً یک موجود مستقل خواهد بود. همین کلمه نشان دهنده آنست که **مرد و زن مساوی نیستند** و زن حقی ندارد تا او را اسلام و قرآن شناسان با مرد مساوی اعلام دارند؟؟

و اما آیت ۱۲۹ همین سوره (نساء) می گوید :

و شما هرگز نمی توانید عدالت را میان زنان تان اجراء کنید هر چند (برین کار حریص باشید).

بسیار قشنگ نوشته شده که با یک دید سطحی مشکلی باقی نمی گذارد. اما دقت در اصل یعنی موضوع حقوق زنان، مسأله فراهتر از آن است که اسلام پسندان و علمای اسلامی از آن سخن می گویند که گویا بر رسی و تحلیل این دو آیت نمایشگر حق زن می باشد.

نمی دانیم تا چه اندازه این تحلیل ها مورد غضب اسلام پسندان و وابسته های اعراب قرار می گیرد؟؟ و تا چه اندازه جلب توجه (هموطنان خوش قلب و خوش باورم) را خواهد نمود. این وابسته به خواندن عکس العمل ها و مضامین اوشان در همین پورتال عزیز و گرانقدر پورتال ضد استعمار و استثمار و ضد خرافه یعنی پورتال عزیز "افغانستان ازاد - ازاد افغانستان" خواهد بود. درین آیات معیار چند زن گرفتن (**عدالت مرد**) قرار گرفته و همچنان صریحاً بیان شده که نمی توانید در میان زنان تان عدالت بر قرار کنید پس چرا چند همسر ی تجویز می شود؟؟ **باز هم عدالت در چی**؟؟؟؟ این آیت دوم واضح ساخته که عدالت (به تمام معانی آن) را نمی توانید در مورد زنان تان عملی بدارید. پس چرا جایز است؟؟ آقائی که ایشان چهار زن دارند چگونه می تواند عدالت را در بین زنان خود اجراء نماید؟ او شاید بتواند غذا و لباس را مساویانه و عادلانه به همه برساند اما آیا امکان دارد که او هر چهار زن را مساویانه دوست داشته باشد؟؟ اگر ندارد عدالت نشد؟؟ آیا زنان او هم جناب شانرا مساویانه دوست دارند؟؟ آیا جناب شان هر شب وقت خواب شدن از همه زنان می پرسند که کدام شان میل به هم خوابگی دارند؟؟ اگر نمی پرسند عدالت نشد؟؟ اگر به نوبت (مطابق هدایات قرانی) و سر مشق قرار دادن روش محمد برای خود هر شبی را با یکی از خانمهای سپری می کند چه نوع عدالتی خواهد بود که اگر زن دوم و سوم و چهارم در همان شب میل همبستری نمایند؟ آیا باز هم عدالت اجراء خواهد شد؟؟

طرف دیگر قضیه، یعنی مد نظر گرفتن احساس روانی و احساس انسانی زن را، آیا خدا، محمد و مسلمین زنان را موجود زنده و از نگاه حقوقی در ردیف مرد ها می بیند یانی؟؟ حالا برای لحظه ای قبول می کنیم بلی. **اسلام دین برابری است**. **حق زن و مرد مساوی است**؟؟ خوب با قبول چنین طرحی باید خانم ها هم حق داشته باشند تا **شوهر در یک زمان معین انتخاب نمایند**. آیا می توانند؟؟ مسلمانها می گویند: این جایز نیست. پس این اولین موردی خواهد بود که مرد و زن در قسمت زندگی مشترک روبه روی همدیگر قرار گرفته و حقوق آنها بررسی و دیده می شود که حقی برای مرد ها است و برای زنها نی؟ **چرا**؟؟ **دلایل آسمانی و مقدس دارد**؟؟ یا به غیرت و همت مرد بر می خورد و احساساتش را جریحه دار می سازد؟؟ اگر شکل مقدس و آسمانی دارد پس این عدالت نیست؟؟ چون یک طرف از امتیازات ۴ زن گرفتن بر خوردار است و طرف دیگر با همین مرد هر چه است و هر کی است باید بسازد؟؟ و باید این طرز هدایت را عدالت و انصاف خداوندی در مورد مرد و زن نامید.

مهم ترین مسأله ارایه تعریف واقع بینانه، دقیق و مشخص از عدالتی است که مرد باید در میان همسرانش اجراء کند. تعاریف مبهم که قابل تفسیر های متعدد و ابهام آمیز باشد مشکلی را حل نخواهد کرد جز اینکه زمینه سوء استفاده مرد را مساعد سازد و اینکه خود قرآن در این مورد تعریفی مشخصی از (عدالت) نداده است و این عدالت را گذاشته برای مردان تا خود آنها به زعم خود روی معیار های فکری خود از عدالت بر داشت و عدالت دلخواه خود

را در امور ۴ زنه داشتن به اجراء آورند و بیشتر مردان به آیتی (الرجال قوامون علی النساء) تکیه می دارند که معنی آن این است (**مردان سر پرست زنان محسوب می شوند و نسبت به آنها سلطه دارند**) و اگر شکل دوم مسأله یعنی عملکرد بنده ها در چوکات بندی ادیان مقدس آسمانی یعنی به غیرت بر خوردن و احساسات مرد را جریحه دار ساختن است. این به آن معنی تصور خواهد شد که موجودی به نام زن فاقد غیرت، همت و احساسات عاطفی (جسمی و روحی) است. آیا این منطقی به نظر می خورد؟؟ با توجه به اینکه زنها هم غیرت دارند و هم احساس اما مظلومان نتوانسته اند نظر به تسلط فرهنگ مرد سالاری در جامعه و اینکه مردان همیشه هر عمل غیر انسانی خود را در قالب و چوکات های دینی بر زن تحمیل و بیشترمانه از آن دفاع هم نموده اند احساسات خود را تبارز دهند.

تا شعری سرودند از طرف همین مرد ها جلو شانرا گرفته و تاخت و تاز به اوشان نموده اند. مثلاً در همین قرن ۲۱ تقریباً دو سال قبل در مقابل پارچه شعر "بهار سعید" که بیان کننده احساس زنانه بود از طرف یک روشنفکر و نویسنده مورد حملات ادبی قرار گرفت که واقعا "بهارسعید" خیلی هم بزرگوارانه و عاقلانه به جواب آن نویسنده معلوم الحال پرداخت. و یا اگر زنها در صحبت های خود لبخندی زده اند بد نام شده اند اگر از ادبیات، شعر و اقتصاد صحبت داشته اند خود نما گفته شده و هم از نیش بد بینی مردان بی نصیب نمانده اند.

در جامعه مصیبت کشیده ما زن حق صحبت نمودن را ندارد چه رسد به اینکه احساساتش را تبارز دهد و این ظلم بی حد مردان بر زن است که باعث شده که این موجود با احساس و متحرک خاموشانه به همه چیز نگریسته و با صبر و حوصله منتظر تعیین سر نوشت شان به دست مردان که معمولاً در چوکات دین رقم زده می شود، باشند. بلی!

اگر حقوق مرد و زن از دیدگاه خدای ادیان ابراهیمی و با جرأت می توان گفت تمام ادیان با هم مساوی می بود. در پهلوی همین آیات آیتی دیگری هم می بود که واضح می ساخت که زنها هم می توانند چهارشو هر در یک زمان داشته باشند تا این مرد های مقدس فرزندان بابا آدم لذت همخوابگی زن خود را در آغوش شوهر دومی می چشیدند. شأن نزول این آیات هر چه باشد و مفسرین قرآن هر قدر پائین و بالا بنویسند نتیجه همان خواهد بود که اسلام – قرآن – محمد و دنباله روان آن مرد سالار، زور گو، خود پرست و زن ستیز بوده و هستند. در مجموع اگر هدایات قرآن را راجع به زن و عملکرد پیغمبران مخصوصاً (محمد) و حرمسرا های شانرا به تحلیل گیرید نتیجه خواهید گرفت که زن وسیله، شیء تولید کننده نسل و جنس قابل معامله تشریح شده نه انسان مستقل و دارای حقوق مساوی با مرد.

نظر به همین آیت قرآن که شرطی گذاشته در مورد چند زنی در زمان واحد و آن این است (که اگر نمی توانید عدالتی در بین زنها تان) و این شرطی است که بعد از ازدواج و زن گرفتن باید مورد تجربه قرار گیرد. و گفته نشده که اگر عدالت نتوانستید چه شود یعنی مرد بعد از عمل انجام شده چه تصمیمی می تواند بگیرد؟؟ جز دوام همان وضع؟ چون نتوانسته عدالت را برقرار نمایند. و قیل از زن گرفتن نمی شود به این نتیجه رسید که می توان عدالت را برقرار نمود یا خیر؟؟ چون عملی نشده است. اینجاست که زندگی ها از هم پاشیده شده و نتایج خوبی از آن به بار نخواهد آمد. تعصب و غیرتمداری مرد ها باعث می شود تا در تحکیم شرایط ناگوار بر زن بیش از پیش سعی و نگذارند این (عدالت) از طرف کس دیگری بر خود شان عملی شود. حتی این تعصب به اندازه ای در فرهنگ و اجتماع ما تاثیر انداز بوده که کرسی سلطان نام نهاد کشور روز زن را تجلیل می کند در حالیکه خانم شان موجود نیست؟؟ قانونی و ربانی و ملا عمر و صد ها ازین فکرچرکین ها و شعور دزد های انسانی زنها شان کجا است؟؟ اگر حق زن و مرد در قرآن مساوی می بود خانم کرسی – خانم ربانی – محقق – خلیلی- عبدالله - قسیم

– صبغت الله – گلبدین -ستار سیرت - احمد شاه مسعود -گیلانی ها – حقانی - نادری – جبار ثابت - مولوی عطا محمد نور – گل اقا شیر زوی – خامنه ای – خاتمی – و صد ها آیت الله دیگر از جمع گلاب زوی – رشید دوستم (این دونفر اخیر در جمله **مسلمانان مترقی!!** شامل اند) خانم های اینها در مجالس و محافل باید با اوشان می بودند اصلا آنها کجا هستند؟؟ و چرا از روز زن تجلیل نمی کنند؟؟

فقط مرد ها آنهم فقط یک تعداد محدود که آنها سالانه تشریف آورده و با خواندن مقاله ای از قبل تدوین شده به مقام زن ارج گذاشته و با گفتن چرندیاتی خود را همقطار روشنفکران (**البته به شکل اسلامی آن**) قلمداد می نمایند؟؟ به نظر من همین گروه از مردم مثل گاو های وحشی اند که با پشتوانه قرآن به کشتزار های خود فرود می آیند و برای اینکه خود را هم روشن فکر جا زده باشند سعی دارند حقوق زن و مرد را در چوکات ادیان مخصوصا اسلام مساوی نشان دهند مگر این کاریست که هر گز زنها مخصوصا زهای کشور ما که سالها این بار غم را با دیگر محرومیت های زندگی به دوش کشیده اند فریب آن را نمی خورند و با آگاهی کامل و بسیج روز افزون شان در سنکر های مبارزه علیه خشونت – استبداد و خرافات مقدس با هم متحد شده و راهی به سوی آینده در خشان شان خالی از تبعیض و خشونت جنسی باز خواهند نمود

باقیدارد